

حقوق بشری خواهد بود که توسل به زور مرگبار را به دفاع از خود محدود می‌کند» (Arimatsu & Choudhury, 2014: 3).

تقریباً هم‌زمان با این فاز در عراق، یک شورش در فاز اول خشونت سوریه در مارس ۲۰۱۱ در جریان بود که کاربست‌پذیری حقوق بشردوستانه و یا حقوق بشر بر آن مشابه وضعیت اخیر در عراق است. دومین فاز خشونت در سوریه به‌طور غالبی به‌عنوان نایاک قابل تفسیر است و به لحاظ سیاسی اتحادها و ائتلاف‌ها در آن آشکارتر و مشخص‌تر از نایاک در عراق است. در این فاز ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن به درجات متفاوت از گروه‌های مسلح مخالف دولت حمایت کرده و در طرف مقابل، ایران و متحدانش، به‌طور مستقیم یا به واسطه گروه‌های شیعی، از دولت پشتیبانی کرده‌اند. از آنجا که مداخله ایران در سوریه به دعوات رسمی دولت سوریه انجام گرفته، این مداخله نمی‌تواند به‌عنوان آیاک یا عمل موجد آن تفسیر شود، در طرف دیگر، پشتیبانی از گروه‌های مخالف دولت به وسیله ایالات متحده و متحدان منطقه‌ای آن تفسیر این مداخله به نایاک را زیر سؤال می‌برد. آنگونه که پیشتر شرح داده شد، شواهدی دال بر تأمین مالی، آموزش و تجهیز گروه‌های منشعب از القاعده و دیگر گروه‌های جهادی توسط ترکیه، عربستان سعودی، امارات متحده و برخی دیگر از کشورهای عربی متحد آمریکا وجود دارد که مداخله آنها در سوریه را پرده‌برداری می‌کند. بنابراین، به واقع عناصر آیاک در سوریه مشهودتر از فاز چهارم منازعه در عراق است، اما تناظر کامل آن با معیار کنترل سراسری مسئله‌برانگیز و قابل آزمون است.

تاریخ دقیق آغاز آیاک در سوریه بحث برانگیز است. از یک نظر، حمله هوایی ائتلاف به رهبری آمریکا به داخل سوریه در سپتامبر ۲۰۱۴ نامیدن آیاک بر آن را ایجاب نمی‌کند؛ زیرا بنا بر ادعای فاعلان، مواضع حکومت را هدف نگرفتند، اما از منظری قوی‌تر از آنجا که مداخله آنان با دعوت یا اجازه دولت سوریه نبوده، بلکه با واسطه اطلاع‌رسانی قبلی دولت عراق، علیه داعش و در پشتیبانی از به اصطلاح گروه‌های میانه‌رو و «واحدهای حافظ خلق کرد»<sup>۱</sup> که خود در مبارزه با

---

1. Kurdish People's Protection Units (YPG)